

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۶۰۳

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

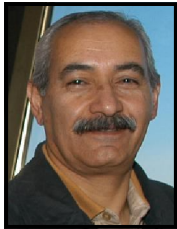
www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: عبدال گلپریان

۷ دی ۱۳۹۰، ۲۸ دسامبر ۲۰۱۱

چهارشنبه ها منتشر میشود



عبدال گلپریان

"تعهد" یا عدم تعهد به اصول سازمانی و موازین حزبی موضوع ثانوی تری است که بعدا وارد تصویر می شود.

**ریشه های اختلاف.** تولد حزب "حکمتیست" از ابتدا بر بستر خط و سیاستهایی شکل گرفت و انشعاب صورت داد که وجود هر کدام از آنها برای به بن بست کشاندن هر حزبی که می خواست مدعی پیشبرد خط منصور حکومت شود کافی بود.

صفحه ۳

## پایان یک خط!

حزب "حکمتیست" یا همان خط کورش مدرسی علنا و عملا به انتهای خود رسید که میراث تاکنونی آن انشعابی اعلام نشده در آن است. اگر این حزب روی خط حکمت بود بی گمان به این روز نمی افتاد. کارما را سخت تر کردند. باید حملات بورژوازی و انواع تفکرات ضد کمونیستی بر بستر شکست خط این حزب علیه کمونیسم کارگری و منصور حکمت را خنثی کنیم. تناقضات هشت سال اخیر خط حاکم بر این حزب در بی ربطی آن با خط حکمت، ترهای کورش مدرسی و عقیم بودن آنها در پاسخ به مصافهای سیاسی اجتماعی چند سال گذشته و حال، علت بحران و انشعاب غیر رسمی کنونی آن است.

## خانواده ای پنج نفره در میان آتش سوختند، مقصر کیست؟



یدی محمودی

در فقر و محرومیت و در این مورد نبود امکاناتی همچون مراکز آتش نشانی نگه داشته اند، جمهوری اسلامی و همه مقامات ریزو درشت آن را باید مسول و بانی این واقعه

صفحه ۴

با کمال تأسف شب ۲۹ آذر ماه بر اثر اتصال سیم برق در روستای زونج در منطقه مریوان یک خانواده ۵ نفره در کمال ناباوری مردم این روستا زنده زنده در آتش سوختند. این خانواده که شامل دو پسر سه و ۱۵ ساله، یک دختر ۱۱ ساله و مادر آنها به اسم پروین علیرضا ۳۵ ساله بوده اند. قبل از هر چیز این واقعه دردناک را به خانواده آنها و مردم روستای زونج تسلیت می گوئیم و خود را شریک غم آنها می دانم. در مورد این فاجعه دردناک باید انگشت اتهام را به سوی کسانی دراز کرد که اکثریت مردم سراسر کشور را

## ایرج آذرین و هلمت احمدیان : جدال چپ فرقه ای با چپ سنتی مصاحبه با محمد آسنگران بخش (۲)



**ایسکرا:** در بخش اول این مصاحبه به گوشه هایی از تاریخ حزب کمونیست و موضوع جدایی کمونیسم کارگری که مورد بحث هلمت احمدیان قرار گرفته بود پرداختیم. در بخش دوم میخواهیم

به نکاتی از ادعاها و تئوریهای محفل ایرج آذرین بپردازیم. برای نشان داد سیر تفکر این محفل به نکاتی از نوشته اخیر تحت عنوان "تناقضات حزب کمونیست ایران و سانترسیم" به قلم یک نفر به اسم احمد شقایی میپردازیم. اما در ادامه اساسا فاکتهای مورد بحث ما از "چشم انداز و تکالیف" به قلم

صفحه ۲

## جلو اخراج مهاجرین افغان از ایران بایستیم

۱۵۰ دلار پرداخت میشود و تسهیلات لازم برای کوچ آنها به مرز افغانستان فراهم میشود. مهاجرین افغان بخشی از جمعیت ایران هستند که بعضا دهها سال است در آنجا کار و زندگی کرده اند. دستمزد ارزانتر این مهاجرین در کنار بی حقوقی مطلق آنها در جامعه، وضعیت

صفحه ۵

جمهوری اسلامی در یک اقدام فاشیستی برای ۹۰۰ هزار مهاجر افغان ضرب الاجل سه ماهه ای برای ترک خاک ایران تعیین کرده است. مقامات جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که به هر نفر از مهاجرین که داوطلبانه ایران را ترک کنند از سوی کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان

### اخبار هفته در صفحه ۵

بای یک کارگر شرکت سوله سازی حائری در کرمانشاه لای دستگاه قطع شد عدم پرداخت دستمزد ماموران سرشماری در بوکان بعد از گذشت ۳ روز، جسد کارگر مرزی تحویل خانواده اش داده شد یورش ماموران رژیم به دستفروشان شهر مهاباد بی خبری از سه عضو بازداشت شده یک خانواده در مریوان اعتصاب کارگران و رانندگان ماشینهای حمل آهن در شهر سنجند

### جمهوری اسلامی ایران از احتمال اعدام سکینه محمدی آشتیانی حرف زده است!

صفحه ۶

لیست نمایندگان سراسری منتخب کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران به ترتیب درصد آرا

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## جدال چپ فرقه ای با چپ سنتی ...

از صفحه ۱

را دچار تحول می کند. با ایجاد یک هیئت موسس و در نتیجه وحدت "اتحاد مبارزان کمونیست" و "گومله" و جریاناتی از خط سه به همراه برنامه ای که هدف خود را انقلاب دمکراتیک کارگران و زحمتکشان می دید، حزب کمونیست ایران در شهریور سال ۶۲ تشکیل شد، "بگوید این نقل قول تا چه حد واقعیت آن دوره را بیان میکند و سحت و سقم این ادعا چگونه است؟"

**محمد آسنگران:** اولاً معلوم نیست تشکیل حزبی که هدفش انقلاب دمکراتیک است چرا از نظر این محفل مهم تلقی شده است. ثانیاً این ادعای محفل آذرین - مقدم به امضا یک نفر به اسم احمد شقاقی که در نقد حزب کمونیست ایران گفته شده است و استراتژی و هدف آن حزب را در ابتدای تشکیلش انقلاب دمکراتیک معرفی کرده است، نه یک ذره حقیقت را در بر دارد و نه به نفع خود این محفل تمام میشود. اولاً این محفل با این ادعا یک دوره از تاریخ فعالیت خود را غیر سوسیالیستی اعلام میکنند. زیرا آذرین و مقدم خود از اعضا آن حزب بودند و به آن برنامه رای داده و مدافع آن بوده اند و تا کنون به نقد آن نپرداخته اند. دوماً آن برنامه مکتوب و قابل مراجعه است و علیرغم کمبودهای که در آن هست و بعداً ما در حزب کمونیست کارگری به جای آن برنامه، "برنامه یک دنیای بهتر" به قلم منصور حکمت را تصویب کردیم، اما این نهایت بی انصافی و بی مسئولیتی در بازگویی یک تاریخ است. من برای رد این ادعای نادرست دو نقل قول زیر در همان دوران را کافی میدانم.

"حزب ما حزب انقلاب بیوقفه است. یعنی هیچ جا نمیتواند بایستد و بگوید تمام شد، این کار درست شد. همانطور که گفتم دلیل اولش این است که عقاید انقلابی باید با تبدیل شدنش به یک انقلاب پرولتری به سرانجام قطعی میرسد. هیچ درجهای از دمکراسی به تنهایی قابل حفظ نیست مگر اینکه

سرکوب و خفقان در ایران هدف بلاواسطه انقلاب کارگری را تشکیل می دهد. اما در شرایطی که هنوز نظام سرمایه داری برقرار است، حزب کمونیست ایران در عین مبارزه بیوقفه و پیگیر برای برقراری سوسیالیسم و ایجاد جامعه کمونیستی، لحظه ای مبارزه برای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشرو و مترقی را جهت بهبود شرایط زندگی توده های کارگر و زحمتکش و امن تر و انسانی تر کردن جامعه و محیطی که در آن زندگی می کنیم، در چهارچوب همین نظام موجود نیز رها نخواهد کرد."

این جواب اسناد مکتوب به ادعاهای محفل آذرین - مقدم است. من میدانم اینها به تاریخ خود پشت کرده اند و علاقه ای به آن ندارند. کسی که به یک تاریخ پشت کند حتماً سعی میکند از آن شیطان سازی کند و خود را ناجی معرفی نماید. اما حقایق تاریخی را نمیتوان به این آسانی و غیر مسئولانه تحریف کرد. تاریخ حزب کمونیست ایران تا آن روزی که ما در آن بودیم یعنی سال ۱۹۹۰ مسئولیتش با ما است و اجازه نمیدهم مخالفین غیر مسئول و مدافعین شرمگین، آنرا غیر واقعی معرفی کنند. آنها هر بلایی سر خود میاورند انتخاب خودشان است. اما تحریف آن تاریخ که نتیجه یک نسل از کمونیستهای آن جامعه است را با استناد به اسناد و مکتوبات آن دوره اجازه نمیدهم.

**ایسکرا:** این محفل در نقد اخیرشان به حزب کمونیست ایران مدعی هستند که بعد از تشکیل آن حزب آنها همچنان پوپولیست بوده اند و نگاه منشویکی داشته اند نوشته اند "حزب کمونیست ایران به دلیل نگاه منشویکی به مرحله انقلاب (انقلاب دمکراتیک) نمی توانست بطور کامل از پوپولیسم گسست نماید ..... همانطور که در برنامه این حزب آمده بود، ایجاد جمهوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان و تقسیم اراضی استراتژی این حزب بود. جواب تحریف هدف و استراتژی حزب کمونیست ایران از جانب این محفل را در سوال قبلی دادید. اما در مقابل این ادعا که آنها دیدی

منشویکی داشتند بعد از تشکیل حزب هنوز پوپولیست بودند چه فکر میکنید؟

**محمد آسنگران:** همچنانکه در جواب سوال قبل گفتم اولاً این یک ادعای خلاف واقع است. ثانیاً خط مسلط و تعیین کننده سیاست در آن حزب تا مقطع جدایی کمونیسم کارگری که بعد از ده سال اول عمر این حزب اتفاق افتاد نقد پوپولیسم که سهل است مباحث کمونیسم کارگری مطرح شد و آذرین و مقدم لاقلاً تا آن مقطع خود را موافق این خط مسلط نشان میدادند. اینکه اکنون آنها هم مثل مهتدی به آن تاریخ پشت کرده اند جایگاه سیاسی امروز آنها را بیان میکند نه حقیقت معینی در آن تاریخ را من میتوانم بفهمم که کسی مدعی این بشود که در حاشیه آن حزب هنوز دیدگاه

پوپولیستی و غیر مارکسیستی و با به قول آنها منشویکی وجود داشته است. اما اینکه کسی بیاید بعد از بیست سال آن حزب و سیاستهایش را در آن مقطع پوپولیستی و منشویکی ارزیابی کند در درجه اول دارد خود را پوپولیست و منشویک قلمداد میکند و احتمالاً نقد خودش را از دیدگاه و نیت خود بیان میکند نه سیاست مسلط در آن حزب را، زیرا تا مقطع جدایی کمونیسم کارگری از آن حزب اولاً آذرین و مقدم خودشان از اعضای آن حزب بودند و ثانیاً سیاست مسلط و مصوبات آن حزب هیچ رنگ و بویی از پوپولیسم منشویسم ندارد. نه تنها این بلکه به همت منصور حکمت با تعمیق نقد مارکسیسم انقلابی از تئوریهای کلاسیک مارکسیستی به جایگاه جنبشهای اجتماعی و کار بست کمونیسم به عنوان یک جنبش اجتماعی و کمونیسم کارگری رسید و از این زاویه کمبودهای مارکسیسم انقلابی در آن دوره را به نقد کشید. این البته هیچ سختی با این بحث ندارد که گویا حزب و از جمله همین آذرین و مقدم در آن دوره پوپولیست منشویک بوده اند. متأسفانه ما در این دنیای وانفسا مجبوریم از تاریخ همین افرادی مثل آذرین و مقدم و مهتدی که به گذشته خود تفت و لعنت میفرستند دفاع کنیم. ما ناچاریم به آنها گوشزد کنیم که آن تاریخ پر افتخار را به موقعیت

سختیف و سقوط کرده امروزتان نفروشد. هر کسی مجاز است که با نگرش آموزش تاریخ خود و دیگران را نگاه کند و مورد بحث و بررسی قرار دهد. اما تحریف و بیان غیر واقعی یک تاریخ برای هیچ کس مجاز نیست.

**ایسکرا:** محفل آذرین - مقدم در نقد رهبری اخیر حزب کمونیست ایران که چرا به حزب کمونیست کارگری ایران نزدیک شده است چنین میگویند: "آیا برای رهبری حکا مخالفت بسیاری از اعضا و هواداران این حزب در داخل و خارج کشور با این اتحاد عمل اهمیت ندارد؟". منظور از این "بسیاری از اعضا و هواداران" چه کسانی هستند و خطاب محفل آذرین - مقدم به کدام گرایش و اعضا و هواداران کومله است؟

**محمد آسنگران:** من در بخش قبلی مصاحبه به این موضوع اشاره کردم که منظور آنها و خطاب آنها گرایش و کسانی است که از موضعی ناسیونالیستی هنوز تحت تاثیر سیاستهای مهتدی و نفرت پراکنی علیه کمونیسم کارگری هستند. این فرهنگی است که آن دوره با تسلط سیاستهای مهتدی در آن حزب کاشته شده است و هنوز ریشه های آن خشکانده نشده است. اتفاقاً هلمت احمدیان در نقد احمد شقاقی از محفل آذرین - مقدم به همین گرایش اطمینان خاطر داده است که نگران نباشند. او هم میخواهد دل همین گرایش را به دست بیاورد و به جای نقد همین سیاستهای مورد بحث ما که تار و پود محفل آذرین - مقدم را تنیده است به حمله هستریک علیه کمونیسم کارگری توسل جسته است. آگاهانه در نوشته خود به همان میدانی پا گذاشته است که آذرین - مقدم میخواستند. هر دو طرف این جدال روی سخنشان یک گرایش ناسیونالیستی درون کومله است که از نزدیکی حزب کمونیست ایران به کمونیسم کارگری نگران است. محفل آذرین میخواستند ناسیونالیستهای درون کومله را علیه نزدیکی حزب کمونیست ایران به کمونیسم کارگری بشوراند و هلمت احمدیان هم با حمله اش به کمونیسم

## پایان یک خط

از صفحه ۱

تتها و خط کورش مدرسی پیشینه ای قبل تر از انشعاب سال ۲۰۰۴ دارد و امروز دیگر برای کسی نا آشنا نیست. انشعاب ۲۰۰۴ و امید به تشکیل دولت ائتلافی و بحران سازی در مرزها، تبدیل شدن آن به آرزو، سیاست و ناظر کردن آن بر حزب "حکمتیست"، از همان ابتدا وداع با خط حکمت بود. خطی که مدعی شکست جنبش سرنگونی باشد، به متعارف شدن سرمایه داری می رسد. خط و حزبی که حرکت میلیونی مردم در سال ۸۸ برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی را دو دستی در سینی نقره ای تقدیم موسوی کند و با بدرقه مردم از خیابان به خانه به آنها شب بخیر بگوید، دفاع از طرح یارانه های احمدی نژاد ماحصل آن خواهد بود. این اختلافات بروز بحرانی یک شبه نیست، هشت سال گذشته در کنگره های مخفی و دیگر اجلاس های غیرعلنی این حزب، با به تصویب رساندن قطعنامه ها و مصوباتی از این نوع که با خط حکمت خوانایی نداشته سپری شده است. امروز هم بعد از این چند سال و بعد از علنی شدن اختلافات دستاوردش چیزی نبوده بجز نقطه ای در پایان خط.

اگر کسی بخواهد ریشه های اصلی این بحران و بن بست را جستجو کند باید از این سر به مسئله نگاه کند. نکات فوق، مواضع، خط و تزه های کورش مدرسی و حاکم کردن آن بر حزب، در تقابل آشکار با خط و نظرات منصور حکمت بوده. این را بارها و به مناسبت های مختلف گفته بودیم و اکنون به اعتراف تنی چند از کادرهای رهبری خودشان، این حزب از بدو انشعاب روی خط منصور حکمت نبوده است، بروایتی دیگر ۴ سال است و بروایت کسان دیگر ۲ سال است که خط راست کورش و با اتکا به محفل خود در رهبری حزب جولان میداده است... کنار کشیدن کورش مدرسی از موقعیتهای و پستهای حزبی، در کنگره چهارم این حزب، اعلام پایان این خط توسط خود او بود. اما از همان ابتدای کناره گیری اش شاید کمتر کسی متوجه این کنار کشیدن برای حملات امروزش علیه بقیه و مقصر دانستن آن در به بن بست رسانیدن حزب

شده بود. توجیه این شکست همراه با تحقیر و کوبیدن بقیه نیازمند این تغییر شیفت از بیرون از حزب بود تا بتواند تمامی کاسه کوزه ها را بر سر مخالفین خط سیاسی خود بشکند و وانمود کند که گویا از وقتی او از موقعیتهای حزبی کنار رفته این بحران و بن بست نازل شده است. با توجه به اینها دیر یا زود این بحران در شکل فعلی و علنی تر آن بروز پیدا می کرد.

**"تعدد نظرات".** یک حزب جدی سیاسی قرار نیست محل جولان مبارزات نظری و ایدئولوژیک مختلف و انواع و اقسام نظرات گوناگون باشد. یک حزب سیاسی جدی برای بدست گرفتن قدرت سیاسی نیازمند بالاترین اتحاد خطی و نظری برای امر مشترکی است که همچون یک گلوله توپ محکم هدف را با تمام قدرت نشانه برود. بدون تردید در یک چنین حزبی اختلاف نظر هم پدیدار می شود. راهش تلاش سیاسی برای یکدست کردن و هم نظر کردن بیشتر است در غیر این صورت، اصول و موازین حزبی و سازمانی حد و مرزها را مشخص خواهد کرد.

اما برای خط کورش مدرسی بروز اختلاف نظرات متعدد از همان ابتدا امری سازمان داده شده بود. "تعدد نظرات" در حزب "حکمتیست" که کورش مدرسی آنرا از آستین بیرون آورد و تئوریزه کرد دقیقاً برای اخته کردن حزب و نرفتن به این میدان بود. این یعنی بی ربطی حزب "حکمتیست" به حکمت، یعنی خطی که از بدو تراوشات فکری آن تا به امروز که در بحران دست و پا می زند، هیچ قریابتی با حکمت نداشته است. تعدد نظر و وحدت عمل اولاً کلاً یک تناقض و مسخره است، ثانیاً ناممکن است. دلیلش اینست که تعدد نظر تعدد عمل را نتیجه میدهد و وحدت عمل را بزور مصوبه نمیتوان بوجود آورد. نمونه اش کار خود کورش مدرسی در این ماجرا است. تعدد نظرات را به میدان کشید تا اختلاف دیگران با خود را و با این تز بگونه ای طبیعی جلوه دهد و عمل متناسب با تز خود را به حزیش حقه بکند. حزب تعدد نظر که تلطیف شده تعدد خط و گرایش است واضح است که متناسب آن خطها و گرایشات عملکردها و پلاتفرمها و پراتیکهای مختلف در

دستور میگذارد، حتی اگر یکی دست بالا پیدا کرد و بزور یک قرار پراتیک مربوطه را در دستور گذاشت خطوط دیگر بسادگی زیر بار آن نخواهند رفت. در بهترین حالت حزب تعدد نظر و تعدد خط و گرایش در واقع مثل حزبی مرکب از ائتلافی از گرایشات مختلف خواهد شد که یا باید برای اینکه دعوا نشود دست به عمل مهمی نزنند و هیچ خطی اصراری برای پراتیک نظرش نکند که در اینصورت برد کسی نمیخورد و یا اینکه یکی هم که رسمیت و دست بالا پیدا کرد، با کارشکنی دیگران مواجه می شود و وحدت عمل فقط صوری و شعار خواهد بود.

**عدم کارزار بودن موازین حزبی.** آخرین جلسه دفتر سیاسی این حزب که حول یک پلاتفرم اختلاف و رای گیری پیرامون آن، اقلیت و اکثریتی شکل میگیرد یا از قبل اختلافاتی وجود داشته و در این جلسه بروز حادی پیدا می کند ایدئولوژی و اصول سازمانی رجوع به اساسنامه و اصول سازمانی هم نیست. این یک مسئله بدیهی است که حتی در بازیهای کودکان، کودکان در حین بازی قواعد را بدون اینکه نوشته و دیکته شده باشد، با یکبار توضیح شفاهی از جانب بازیگران رعایت می شود. اما برای ۵ عضو "رهبری" و مدعی اداره امور جامعه، آنهم در نشست یک ارگان بالا و تصمیم گیرنده اصول اولیه قواعد بازی مورد قبول واقع نمی شود و برای ایستادگی در برابر طرف مقابل به اتخاذ یک کودتا مبادرت می ورزند. در مورد مسئله نقض اصول و موازین حزبی و سازمانی همینقدر باید گفت که این اصول یکی از پیش فرضهای اولیه برای هرعضوی قبل از وارد شدن به درون حزب است. ۵ نفر از اعضای رهبری که خود باید همین موازین و اصول سازمانی را برای تازه واردین ترویج کنند آنرا نقض کرده اند و نه تنها از این حرکت خود متاسف نیستند بلکه طرف مقابل را هم مورد آماج همان جنس از حرکت های نقض اصول و موازین حزبی قرار میدهند. این دیگر حزب نیست، حتی قابل مقایسه با موازین یک کلوب سرگرمی هم نیست، این را فقط میشود قلدری و کودتا نامید.

بخوبی روشن است که در یک روال متعارف و سالم سیاسی رفتن به

## جدال چپ فرقه ای با چپ سنتی ...

از صفحه ۲

کارگری که آذین هیچ ربطی به آن ندارد میخواهد آنها را آرام کند. طبعاً ما هم خطابمان به کسانی است که خود را کمونیست میدانند و چپ تر شدن حزب کمونیست ایران را به نفع سیاست خود میدانند. خوب این دو سیاست به دلیل دو هدف متفاوتی که دارند در مقابل هم قرار میگیرند.

بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران تأکیدمان این بوده و هنوز هست که در کردستان ما نه با یک جنبش کردی و دو جناح چپ و راست بلکه با دو جنبش سوسیالیستی و ناسیونالیستی مواجهیم. این دو جنبش علیرغم مخالفتشان با جمهوری اسلامی افق و سیاست دو طبقه متفاوت کارگر و سرمایه دار در کردستان را نمایندگی میکنند. ما بر همین اساس تقابل این دو جنبش را تبیین و تحلیل کرده ایم. از جمله جنگ حزب دمکرات و کومله را

نه جنگ دو جناح یک جنبش بر سر حاکمیت در کردستان آنطور که عبدالله مهتدی آروز و آذین امروز میگویند بلکه جنگ نیروهای سیاسی مدافع دو جنبش با افقهای طبقاتی متفاوت سوسیالیستی و ناسیونالیستی دانسته و میدانیم. ناگفته نماند که رفیق هلمت و همفکرانش در مقابل این تئوریهای راست آذین که کومله را از اول تا به امروز جناح چپ ناسیونالیسم معرفی میکنند، سکوت کرده اند. کسانی مثل هلمت احمدیان مختارند که موقعیت امروز خود را این چنین معرفی کنند و یا در مقابل این نوع معرفی کردن ساکت بمانند. اما من تا مقطع جدایی کمونیسم کارگری از آن حزب مدعی هستم که چنین تفسیری و تعبیری در سیاستهای مسلط آن دوره حزب کمونیست ایران و کومله جای نداشت.

ادامه دارد

**ایسکرا:** در نشریه محفل آذین مقدم آمده است "فراخوان اعتصاب ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۹ که با ابتکار کومله و با پشتیبانی دیگر احزاب کرد، در اعتراض به اعدام فرزاد کمانگر و چند تن دیگر، کارگران و مردم بسیاری در کردستان دست به اعتصاب زدند." آیا واقعا این فراخوان این چنین بود که کومله پیشقدم شد و "احزاب کرد" از آن حمایت کردند که مردم جواب دادند؟

**محمد آسنگران:** این تحریف و مرد رندی محفل آذین را باید در کنار همان موارد قبلی گذاشت. به اندازه همان موارد قبلی از اعتبار برخوردار است. اولاً این فراخوان و حمایت کنندگان و پروسه عملی شدن آن همگی کتبی است و این محفل نمیتواند همه جریانات چپ و انقلابی که فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان را دادند "احزاب کرد" قلمداد کند. ثانیاً با این ادعا دارد میگوید حزب کمونیست ایران یک جریان کردی و ناسیونالیستی بیش نیست. ثالثاً با این تفسیر کمونیسم و رادیکالیسم را در این حرکت خط میزند و بر "کردی بودن آن تأکید دارد و میخواهد تمام آن حرکت انقلابی و جسورانه را قبای ملی و ناسیونالیستی بپوشاند. همچنانکه قبلاً بارها ایرج آذین از اصطلاح "جنبش کردستان"

**زنده باد انقلاب انسانی  
برای حکومت انسانی**

## پایان یک خط

از صفحه ۳

هر کدام از این مجامع بالای حزبی، پلنوم یا کنگره دو نتیجه را در بر دارد. یا اکثریت آنجا هم حقانیت پلاتفرم خود را برکسی می نشانند و همچنان اکثریت و مرجع رسمی و قانونی حزبی خواهد بود که در این حالت اقلیت اگر این را پذیرا باشد و در حزب بماند باید به پیش برد عملی خط و پلاتفرم اکثریت گردن نهد. عکس قضیه هم صادق است. یعنی اگر جناح اقلیت فعلی در پلنوم یا کنگره پلاتفرم و خط مورد اختلاف اکثریت را حول مصوبات تاکنونی متقاعد کند یا اکثریت شود، بقیه باید پلاتفرم خود را کنار بگذارند و حزب بر اساس خط و سیاست و پلاتفرمی که رای اکثریت آورده است کارش را بکند. شق آخر و نهایی هم تشکیل فراکسیون اقلیت در حزب است که هر جناحی اقلیت شد در صورت درخواست خود بعنوان فراکسیونی در درون حزب بتواند تلاش کند که در کنار پیشبرد خط رسمی و قانونی حزب پلاتفرم رای نیآورده خود را با رعایت همان اصول و موازین حزبی و تبدیل کردن به خط حاکم بر حزب برایش کار کند. اینجا دیگر به این بستگی دارد که آیا جناحی که در اقلیت قرار خواهد گرفت می خواهد فراکسیونی تشکیل بدهد و در چهارچوب سیاست و پلاتفرم اکثریت برای تحقق خط و پلاتفرم خود و با پذیرش تمام موازین حزبی کارش را ادامه دهد یا نه؟. اینها روال طبیعی یک مبارزه سیاسی و سالم در مورد اختلاف سیاسی در حزب است. اکنون برای خطی که کودتا کرده و خود را صاحب حزب می داند اگر در پلنوم بعدی یا کنگره نیز همچنان در اقلیت بماند تبدیل شدن به فراکسیون را برای خود یک شکست می داند. البته اگر بتوانند خود را به پلنوم یا کنگره بعدی برسانند چون در حال حاضر دو حزب "حکمتیست" عملاً بطور غیر رسمی انشعاب کرده، برخی اموال و ارگانها هم تقسیم شده و هر یک دارد کار خودش را می کند. با انشعاب اعلام نشده تا کنونی، افقی برای پلنوم و کنگره آینده هم قابل تصور نیست.

در رابطه با میانجیگری احزاب عراق و کردستان همینقدر باید بگویم که با سهمانی به خط شکست

خورده این حزب و جناحی که دست به کودتا زده است نمیتوان تصویری از یک داور منصف و قابل اعتماد برای جلوگیری از انشعابی که عملاً صورت گرفته است از خود نشان داد و این تلاش هم بی نتیجه است. شاید انتظاری برای اتخاذ موضعگیری سیاسی در قبال پلاتفرم نباشد اما نقد کودتا و برخورد به نقض موازین حزبی برای هر حزب "بیطرف" کار چندان سختی نیست.

**چرا این بحران امروز حالت بروز علی تو بخواه گرفت؟** در دنیای واقعی در مدت زمان عمر این حزب خط کورش مدرسی در این حزب ناتوان از پاسخ گویی به مسایل پیشروی خود بوده است. در طول یکی دو سال اخیر اوضاع سیاسی و انقلابی در ایران، منطقه و جهان، بیشتر از هر زمانی عدم خوانایی تزه های حاکم بر این حزب با جدالهای اجتماعی بیرون از خود را بطور روشنتری آشکارتر ساخت. با افق و سیاستهای راستی که کورش مدرسی به این حزب تحمیل کرد و اسم آنرا مصوبات تاکنونی حزب نام نهادند، نه تنها نمیتوان یک هزارم تحرک عظیم و اجتماعی ای که تمام دنیا را در نور دیده است با آن پاسخ داد بلکه تا کنون این خط و تزه های بیرون داده شده از آن در تقابل با تحولات اجتماعی و توده ای در اوضاع سیاسی ایران خود را بنمایش گذاشته است. حرکت انقلابی و اعتراضی سال ۸۸ نمونه گویا و روشنی است. تقابل خط کورش مدرسی و مصوبه شدن آن تزه و سیاستهای او در حزب "حکمتیست"، نه تنها حزب را از رفتن به استقبال این مصاف سیاسی اجتماعی عقیم ساخت بلکه در دشمنی و کوبیدن هر گونه تحرک و اعتراض اجتماعی در جامعه کوتاهی نکرد. تا جایی پیش رفتند که اعتراضات میلیونی مردم را به ریشخند گرفتند. زمانیکه رادیکالسم، آزادخواهی و برابری طلبی ای که در انقلاب ۸۸ از سوی اکثریت عظیم توده های میلیونی مردم علیه حاکمیت اسلامی در خیابانها عرض اندام کرد، این خط در این حزب با تزه و تحلیلهای، سبب است به تحقیر آن پرداخت. با پذیرش اعتراضات مردم بمشابه حرکت انقلابی مشکل جدی داشت اما با متعارف شدن سرمایه داری و اینکه احمدی نژاد طرفدار کارگر شده

و طرح یارانه هایش خوب است به شوق و ذوق می آمد و اندر فواید آن برای کارگر تزی بیرون می داد. البته معیارهای چند گانه از سوی این حزب و این خط شامل کشورهای انقلاب کرده در منطقه نمی شد. حزبی که با تعدد نظرات کار کند به تعدد معیار هم خو می گیرد. در همه جا انقلاب است اما در ایران دعوی سبز و سیاه است. کجای این خط و سیاستها به حکمت ربط دارد؟ حزب منصور حکمت یعنی دخالتگر در مصافهای سیاسی، طبقاتی و اجتماعی، حزب منصور حکمت یعنی بسیج و سازمان دادن اعتراض اجتماعی کل توده های مردم محرم پشت سر و حول پایه ای ترین منافع طبقاتی کارگری. این حزب بر پایه نفرت از حزب کمونیست کارگری و برای امیدهای دیگری از بالا، در مرزها و در دولتهای ائتلافی سرهم بندی شد که امروز اعلام شکست این خط بطور علنی برای همه قابل رویت است. بی ربطی خط، تزه و سیاستهای حاکم بر این حزب، با و بدون تعدد نظرات، حتی با رعایت اکید تمام موازین حزبی، در قبال جامعه و در کل در قبال اوضاع سیاسی چند سال گذشته و حال، یعنی بی ربطی آن به کمونیسم کارگری دخالتگر منصور حکمت و این اساس بن بست و بحران در حزب "حکمتیست" است.

جای امیدواری است که کادریهای در این حزب بدرجاتی عقیم بودن خط و مصوبات تاکنونی حاکم بر حزبشان را دریافته اند اما با لکنت زبان نمی توان این حزب را از بحران موجود خارج ساخت. با بیان این گونه مواضع که سیاست ما همانست که تا کنون بوده و یا اینکه با پلاتفرم ما تناقضی ندارد، این مشکل حل نمی شود. اکنون دیگر اختلافات کاملاً علنی شده است که در این حزب کسانی علیه راستروی کورش مدرسی و اینکه حزب بدلیل همین سیاستها زمینگیر شده است دادشان بهوا رفته است. اما کسانی هنوز تاکید دارند که گویا اختلافی نیست و آن پلاتفرمها هم فرقی با هم ندارد و فقط گویا یک معضل سازمانی پیش آمده است. چنین موضع گیریهای سانتتری در این بحران کماکان خدمت به خط کورش مدرسی است. برون رفت از این

## از صفحه ۱ خانواده ای پنج نفره ...

هولناک و همه حوادثی که امروزه در ایران اتفاق می افتد دانست. در بسیاری از کشورهای دنیا، چنین اتفاقاتی یا بسیار نادر هستند و یا اگر هم اتفاق بیفتند دولت و مقامات حکومتی با تمام امکانات سعی می کنند تلفات چنین وقایعی را به سفر برسانند، اما در ایران تحت حاکمیت مشتی دزد و جانی و جنایتکار این اتفاقات نه یکی دو تا و یا استشنا، بلکه زندگی هر روزه میلیونها مردمی است که با فقر و نداری دست و پنجه نرم می کنند و نبود امکانات رفاهی، بهداشتی، ایمنی و از جمله در این مورد مشخص در دسترس نبودن مراکز آتش نشانی نه تنها در روستای زونج بلکه در هزاران روستای دیگر کردستان سالانه دهها مورد تراژدی اینچنینی را ببار می آورد. در کردستان تحت حاکمیت جنایتکاران اسلامی و طبق آمار کذائی خودشان، که قطعاً آمار واقعی باید بسیار بیشتر از اینها باشد، فقط در ۷ ماه اول امسال این تعداد از مردم جانشان را از دست داده اند: تصادفات ۲۹۷ نفر، نا امنی محیط کار ۱۲ نفر، غرق شدن ۲۱ نفر، زنان باردار و بدلیل نبود امکانات پزشکی ۹ نفر که آخرین مورد آن در شهر میروان در ۱۷ آذر ماه زنی به اسم ثانیه بالود تنها دو ساعت پس از زایمان بدلیل نبود امکانات کافی در بیمارستان شهر و خونریزی زیاد جانش را از دست داد، مصرف زیاد مواد مخدر که این روزها هزاران جوان را به کام نیستی کشانده ۷ نفر، برق گرفتگی ۵ نفر.

اما باید به این لیست آمارهای دیگری را هم اضافه کرد از جمله، خود سوزی بسیار بالای زنان، قتلهای ناموسی، خودکشی ها، به اضافه جنایتهای مستقیم تر رژیم اسلامی از جمله، حربه اعدام، تیر اندازی به مردم در بسیاری از مناطق کردستان و وضع و امید به دخالتی فعال در اوضاع سیاسی ایران و دنیای امروز مستلزم نقد عمیق از خط شکست خورده ای است که طی سالهای گذشته توسط کورش مدرسی بر این حزب حاکم شد.

۲۴ دسامبر ۲۰۱۱

دسامبر ۲۰۱۱

## اخبار هفته

### پای یک کارگر شرکت سوله سازی حائری در کرمانشاه لای دستگاه قطع شد

بر اساس خبر ارسالی به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، حدود ۱۰ روز قبل کارگری به نام محمود میری در شرکت سوله سازی حائری به دستور پسر کارفرما برای انجام تعمیرات داخل دستگاه شافت غلاف در حال کار رفته و پایش لای دستگاه گیر کرده و تقریباً قطع می شود. به طوری که فقط رگ پشت پایش مانع جدا شدن مچ پا از ساق او می شود. شدت آسیب دیدگی به حدی بوده که پزشکان بیمارستان طالقانی از پیوند خوردن آن نا امید شده و ناچار او را به یک بیمارستان خصوصی منتقل می کنند تا عمل پیوند را انجام دهند. به گفته همکاران محمد میری، این شرکت جز شرکتهای با آمار بالای تلفات و مصدومیت کارگری به علت استاندارد نبودن محیط کار در کرمانشاه است.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ۳۰/۹/۱۳۹۰

### عدم پرداخت دستمزد ماموران سرشماری در بوکان

بعد از گذشت بیش از یک ماه از پایان سرشماری سال ۱۳۹۰ هنوز تعدادی از ماموران سرشماری در بوکان موفق به دریافت دستمزد خود نشده اند. در طرح سرشماری ۱۳۹۰ به هر کدام از ماموران سرشماری مبلغ ۱۰ هزار تومان به عنوان علی الحساب پرداخت شده که قرار بود بعد از پایان سرشماری دستمزد کامل این افراد به حساب واریز شود؛ ولی با گذشت بیش از یک ماه از پایان سرشماری هنوز خبری از دستمزد کامل آنان نیست. این افراد چند بار برای پیگیری مطالبه خود به فرمانداری بوکان واقع در استان آذربایجان غربی مراجعه کرده ولی بی نتیجه بوده است

### بعد از گذشت ۳ روز، جسد کارگر مرزی تحویل خانواده اش داده شد

آوات رحیمی فرزند محمد ساکن شهرستان مهاباد در مسیر جاده سقز به بوکان از سوی نیروی انتظامی هدف شلیک مستقیم گلوله

مزدوران رژیم واقع شد و در دم جان سپرد، خانواده رحیمی از جسد فرزند خود هیچ اطلاعی نداشتند. خانواده آوات رحیمی بعدها از جسد فرزند خویش مطلع و به آنان گفته می شود که جسد آوات رحیمی در اداره پزشکی قانونی ارومیه است و عصر روز پنجشنبه، یکم دی ماه و بعد از گذشت سه روز تحت تدابیر شدید امنیتی و از ترس واکنش و اعتراض مردم منطقه به کشته شدن او، جسد آوات به خانواده وی در شهر مهاباد تحویل داده می شود. آوات رحیمی، ۲۱ ساله و متأهل جهت تأمین معیشت روزانه خانواده خود با ماشین شخصی مشغول رانندگی در مسیر شهرهای مرزی کردستان و آذربایجان غربی بوده که عصر روز بیست و هشتم آذرماه به دلیل شلیک مستقیم نیروی های انتظامی در مسیر جاده سقز به بوکان جان خود را از دست داد. در دو ماه اخیر به علت تیراندازی مستقیم نیروهای انتظامی و نظامی حکومت اسلامی در جاده های مناطق مرزی حداقل ۳ نفر جان خود را از دست داده و ۴ تن دیگر مجروح شده اند.

### یورش ماموران رژیم به دستفروشان شهر مهاباد

روز یکشنبه ۴ دیماه، نیروهای انتظامی و لباس شخصی رژیم با حمله به دستفروشان مستقر در میدان "ملا جامی" مهاباد، مانع از ادامه کسب و کار دستفروشان شدند. در جریان این حمله، ماموران رژیم به دستفروشان درگیر شدند و به ضرب و شتم آنان پرداختند. ماموران رژیم کلیه دستفروشان را وادار به ترک محل نموده و عملاً مانع از کسب و کار آنان شدند.

### بی خبری از سه عضو بازداشت شده یک خانواده در مرویان

از سرنوشت سه شهروند مرویوانی که بیش از یک ماه قبل بازداشت شدند اطلاعی در دست نیست.

علی، یداله و باقی ویسی که در روز بیست و پنجم آبان ماه توسط مأموران امنیتی شهرستان مرویان بازداشت شدند تاکنون از سرنوشت آنان اطلاعی در دسترس نیست. اتهام وارده به آنان همکاری و تبلیغ به نفع یکی از احزاب کرد اپوزیسیون

حکومت اسلامی ایران عنوان شده است. تاکنون چندین بار خانواده وی ویسی جهت اطلاع از شرایط و وضعیت جسمی و روحی فرزندان خود به اداره اطلاعات مرویان مراجعه و هر بار بدون پاسخ قانع کننده بازگشته اند. بنابر آمار ثبت شده توسط مرکز آمار آژانس کردپا، از ابتدای مهرماه سال جاری تاکنون ۹۴ نفر از شهروندان توسط نیروهای امنیتی و قضایی حکومت اسلامی بازداشت که تنها حکم نهایی ۹ تن از آنان ابلاغ شده است. ۸ تن از آنان جمعاً به ۱۱۲ ماه حبس محکوم و "زینب جلالیان" از سوی دستگاه قضایی ایران به حبس ابد محکوم شده است.\*

### اعتصاب کارگران و رانندگان ماشینهای حمل آهن در شهر سنندج

روز سه شنبه ۲۲ آذرماه سال رانندگان و کارگران مشغول به کار در آهن فروشی های واقع در کمربندی بهشت محمندی سنندج و همچنین شهر سنندج به دلیل معاتمت راهنمایی و رانندگی از ورود آنها با بار آهن آلات به درون شهر و قرار دادن جریمه های سنگین و متوقف کردن ماشینها دست از کار کشیدند.

بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری، اعتصاب کارگران و رانندگان ماشینهای حمل آهن در شهر سنندج تا روز پنجشنبه ۱ دی ۱۳۹۰ ادامه داشته که این امر موجب بیکاری کارگران در بخش صنعت و ساختمان و بخصوص جوشکاران و آرماتوربندها شد.

در پی مراجعه رانندگان و مجریان بخش ساختمان سازی به راهنمایی و رانندگی شهر سنندج جهت دریافت مجوز برگ ترافیک برای حمل آهن آلات، با پاسخ تند آنها مواجه شدند و به آنها اعلام شد که فقط از ساعت ۳:۰۰ شب به بعد می توانید کار حمل و نقل آهن آلات را انجام دهند.

به گفته یکی از رانندگان، حمل و نقل آهن آلات در شب بسیار خطرناک بوده و آن ها با کاهش دید در شب و برخورد با موانع از جمله سیم های برق مواجه هستند که این گونه حوادث نیز همیشه اتفاق افتاده و معلوم نیست چه کسی حافظ جان این رانندگان می باشد که بدون در نظر گرفتن مشکلات این از بخش از کارکنان فقط مانع کار آن ها می شوند و هیچگونه راه حل درست ارائه نداده و یا امکانات فراهم نمی کنند.

\*\*\*

### از صفحه ۱ جلو اخراج مهاجرین ...



سنگین بخاطر نداشتن اجازه کار و اقامت، عدم ثبت نام کودکان در مدارس و محرومیت از سایر تأمینات اجتماعی و تحقیر هرروزه توسط مدیای حاکم، گوشه ای از شرایط غیر انسانی حاکم بر مهاجرین افغانی در ایران است. در صورت بازگشت به افغانستان نیز آینده ای مبهم، نا امن و تاریک تر در انتظار آنها خواهد بود. این اقدام جمهوری اسلامی و دفتر عالی کمیساریای امور پناهندگی سازمان ملل یک جنایت آشکار است و فقط با عملکرد فاشیست ها قابل مقایسه است. ناسیونالیسم ایرانی نیز در همنوایی با حکومت اسلامی در تحقیر و شانتاژ علیه این مردم شریک است.

حزب کمونیست کارگری اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی و دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگی را محکوم میکند، از حقوق برابر شهروندی مهاجرین افغان و همه ساکنین کشور صرف نظر از محل تولد آنها دفاع میکند و همه مردم را به مقابله با این رفتار ضدانسانی و تبلیغات فاشیستی علیه مهاجرین افغانی و دفاع از حقوق آنها در مقابل با این رفتار جنایت انسانی و تبلیغات فاشیستی مقایسه است. ناسیونالیسم ایرانی نیز در همنوایی با حکومت اسلامی در تحقیر و شانتاژ علیه این مردم شریک است. مقامات و رسانه های کثیف حکومتی در تبلیغات فاشیستی خود میگویند با اخراج مهاجرین افغان از ایران به بخشی از معضل بیکاری پایان داده میشود. الصاق جرم و جنایت به مهاجرین محروم افغانی نیز بخش دیگری از تبلیغات کثیف حکومت اسلامی علیه آنها است. این بخشی از تلاش مذبوحانه رژیمی است که در حلقه محاصره خشم و نفرت مردم قرار گرفته است. این اقدامی

مقامات و رسانه های کثیف حکومتی در تبلیغات فاشیستی خود میگویند با اخراج مهاجرین افغان از ایران به بخشی از معضل بیکاری پایان داده میشود. الصاق جرم و جنایت به مهاجرین محروم افغانی نیز بخش دیگری از تبلیغات کثیف حکومت اسلامی علیه آنها است. این بخشی از تلاش مذبوحانه رژیمی است که در حلقه محاصره خشم و نفرت مردم قرار گرفته است. این اقدامی

**ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور بی قید و شرط اجازه اقامت و کار برای متقاضیان اقامت در ایران.**

**یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری**



## جمهوری اسلامی ایران از احتمال اعدام سکینه محمدی آشتیانی حرف زده است! این اقدامی برای سنجش عکس العمل افکار عمومی در سطح جهان است.



مالك اژدر شریفی، رئیس کل دادگستری استان آذربایجان شرقی از احتمال تبدیل کردن حکم سنگسار سکینه به اعدام حرف زده و گفته است منتظر دستور رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی برای اجرای حکم اعدام سکینه هستند. شریفی میگوید که بدلیل "نبود امکانات" اجرای حکم سنگسار سکینه در آذربایجان، تا کنون این

حکم اجرا نشده والان منتظر هستند که بدانند آیا سکینه محمدی آشتیانی محکوم به سنگسار را میتوانند با چوبه دار اعدام کنند. همه میدانند که جمهوری اسلامی ایران سکینه را نه بدلیل نبود امکانات بلکه به دلیل اعتراض میلیونها نفر مردم دنیا نتوانست سنگسار کند. همین حکومت با دستگیری فرزند سکینه و با مجبور کردن سکینه و فرزندش به اقرار در مقابل تلویزیون حکومت اسلامی، آنها را وادار کرد علیه خودشان حرف بزنند و از آنها قول گرفت که تماس و ارتباط خود با دنیا و نهادهای بین المللی را قطع کنند. حکومت اسلامی ایران مترصد فرصت است تا در مقابل

دنیای متملن و معترض به جنایات این حکومت، با اعدام سکینه، به جهان اعلام کند که علیرغم اعتراضات به حربه اعدام و سنگسار و جنایت تکیه میکند تا بماند و حکومت کند. کمیته بین المللی علیه سنگسار اعلام میکند که: این يك تقلاي بیشرمانه حکومت اسلامی و مقامات جنایتکار قوه قضائیه است که میکوشند با تست کردن عکس العمل بین المللی به حکم اعدام، زمینه را برای کشتن سکینه فراهم کنند. سکینه محمدی آشتیانی و عکس و چهره او يك سبب اعتراض

جهان متملن و مردم دنیا علیه سنگسار و جنایت و شریعه و قوانین اسلامی است. دنیا در دفاع از سکینه بپا خاست و اعلام کرد که دیگر اجازه نمیدهد مثنی سادیست اسلامی زنان و مردان را سنگسار کنند. عکس سکینه سبب اعتراض جهانی علیه سنگسار است. اعدام سکینه محمدی آشتیانی تقلاي بیشرمانه حکومت اسلامی برای دهن کجی به اعتراضات مهم جهانی است. جمهوری اسلامی ایران چندین سال است که در روزهای تعطیلات کریسمس که بسیار از نهادهای بین المللی و مردم در مرخصی هستند، تعدادی از چهره های مهم شناخته شده زندانی را بکشد و پخش خبر

احتمال اعدام سکینه در روزهای تعطیلات امسال هم تصادفی نیست. کمیته بین المللی علیه سنگسار اعلام میکنند که ما نمیگذاریم سکینه را اعدام کنند. ما از همه نهادهای بین المللی جهانی، از مدافعین سکینه و از معترضین به سنگسار و اعدام دعوت میکنیم که بهر طریق ممکن به این تقلاي وحشیانه حکومت اسلامی اعتراض کنند. ما در اطلاعیه های بعدی برنامه های اعتراضی کمیته علیه سنگسار را اعلام خواهیم کرد.

کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۲۶ دسامبر ۲۰۱۱

### قابل توجه عموم!

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در ماه فوریه ۲۰۱۲ در یکی از کشورهای اروپایی برگزار میشود. شرکت در کنگره برای عموم آزاد است. چنانچه مایل به شرکت در کنگره هستید، برای ثبت نام با آدرس زیر تماس بگیرید.  
[Congeress8@gmail.com](mailto:Congeress8@gmail.com)

### لیست نمایندگان سراسری منتخب کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران به ترتیب درصد آرا

۷۸- شهاب بهرامی ۴۲%	۵۵- بهروز مهرآبادی ۵۶%	۲۸- شهناز مرتب ۷۳%	۱- حمید تقوایی ۹۶%
۷۹- بهمن ذاکر نژاد ۴۲%	۵۶- شمه صلواتی ۵۶%	۲۹- بابک یزدی ۷۳%	۲- اصغر کریمی ۹۴%
۸۰- رضا فتحی (فرامرز قربانی) ۴۲%	۵۷- آذر پویا ۵۵%	۳۰- افسانه وحدت ۷۲%	۳- شهلا دانشفر ۹۴%
۸۱- سیاوش آذری ۴۱%	۵۸- محمد رضا پویا ۵۳%	۳۱- فرشاد حسینی ۷۱%	۴- مینا احدی ۹۳%
۸۲- سارا نخعی ۴۰%	۵۹- سیامک امجدی ۵۳%	۳۲- یدی محمودی ۷۰%	۵- مریم نمازی ۹۱%
۸۳- هادی وقفی ۴۰%	۶۰- سعید پرتو ۵۲%	۳۳- محمد امین کمانگر ۷۰%	۶- خلیل کیوان ۸۹%
۸۴- علی محسنی ۴۰%	۶۱- فواد روشن (رزگار) ۵۲%	۳۴- مهین علیپور ۶۸%	۷- مصطفی صابر ۸۸%
۸۵- سهیلا خسروی ۳۹%	۶۲- بهروز بهاری ۵۱%	۳۵- جلیل جلیلی ۶۸%	۸- فاتح بهرامی ۸۷%
۸۶- سعید ویسی ۳۸%	۶۳- فرشته مرادی ۵۱%	۳۶- کیان آذر ۶۷%	۹- کاظم نیکخواه ۸۶%
۸۷- فاضل نادری ۳۷%	۶۴- عباس ماندگار ۵۰%	۳۷- محمد شکوهی ۶۷%	۱۰- محمد آسنگران ۸۶%
۸۸- ازگور یالچین ۳۶%	۶۵- رویا بحرینی ۵۰%	۳۸- میترا دانشی ۶۶%	۱۱- محسن ابراهیمی ۸۵%
۸۹- گیتی آقاجانی ۳۶%	۶۶- حبیب بکتاش ۵۰%	۳۹- کریم شاه محمدی ۶۶%	۱۲- شیوا محبوبی ۸۵%
۹۰- کاوش مهران ۳۵%	۶۷- یدی کوهی ۴۹%	۴۰- مرتضی فاتح ۶۶%	۱۳- کیوان جاوید ۸۴%
۹۱- آناهیتا روشن ۳۴%	۶۸- محبوبه سیاهمردی ۴۸%	۴۱- جمیل فرزاد ۶۵%	۱۴- عبدالله اسدی ۸۳%
۹۲- فرزانه درخشان ۳۴%	۶۹- زری اصلی ۴۷%	۴۲- بهمن خانی ۶۴%	۱۵- نازنین برومند ۸۳%
۹۳- هوشیار سروش ۳۴%	۷۰- مهران محبوبی ۴۶%	۴۳- ایمان شیرعلی ۶۳%	۱۶- سهیلا شریفی ۸۳%
۹۴- سیامک مکی ۳۴%	۷۱- بهار میلانی ۴۶%	۴۴- سمیر نوری ۶۳%	۱۷- حسن صالحی ۸۰%
۹۵- مسعود آذر نوش ۳۳%	۷۲- مریم طاهری ۴۵%	۴۵- آوات فرخی ۶۲%	۱۸- عبدل گلپریان ۸۰%
۹۶- حیدر گویلی ۳۳%	۷۳- شهلا خباززاده ۴۴%	۴۶- نازنین صدیقی ۶۱%	۱۹- فریده آرمان ۷۹%
۹۷- رضا آزموده ۳۱%	۷۴- صابر رحیمی ۴۴%	۴۷- فریدون فرهی ۶۱%	۲۰- سیما بهاری ۷۹%
۹۸- خبات مجید ۳۱%	۷۵- علی مرادی ۴۳%	۴۸- پتی دونیتاس ۶۱%	۲۱- نوید مینائی ۷۷%
۹۹- آران رضائی ۳۱%	۷۶- پیام آذر ۴۳%	۴۹- فریبرز پویا ۶۰%	۲۲- سیامک بهاری ۷۷%
۱۰۰- روزبه اسماعیلی ۲۹%	۷۷- سعید اصلی ۴۳%	۵۰- ایرج فرجاد ۶۰%	۲۳- مرصده قانندی ۷۷%
		۵۱- رضا مرادی ۶۰%	۲۴- ناصر اصغری ۷۶%
		۵۲- رحیم یزدانپیرست ۶۰%	۲۵- عصام شکری ۷۴%
		۵۳- عباس گویا ۵۹%	۲۶- بهرام سروش ۷۴%
		۵۴- غلام اکبری ۵۸%	۲۷- امیر توکلی ۷۳%

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی  
E-Mail: [awat.farokhi@yahoo.com](mailto:awat.farokhi@yahoo.com)

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!